

فصلنامه علمی - تخصصی

مطالعات تفسیری آلاء الرحمن

گروه علمی - تربیتی تفسیر و علوم قرآن جامعه الزهراء (ع.ا.ه.)

دوره سوم \* شماره یازدهم \* بهار ۱۴۰۴



## بررسی مولفه معنایی ریشه «اجر» بر محوریت هم‌نشینی و جانیشینی در قرآن کریم




فرشته رفیعیان<sup>۱</sup>

چکیده

معناشناسی در مطالعات قرآنی معاصر، جایگاهی برجسته یافته و در فهم لایه‌های معنایی آیات الهی نقش مهمی ایفا می‌کند. پژوهش حاضر با پرسش اصلی «مؤلفه‌های معنایی ریشه «اجر» در قرآن کریم با توجه به روابط هم‌نشینی و جانیشینی کدام‌اند؟» سامان یافته است. روش تحقیق به شیوه توصیفی - تحلیلی و بر اساس رویکرد معناشناسی، با تمرکز بر روابط هم‌نشینی و جانیشینی در بافت آیات قرآن است. یافته‌ها نشان می‌دهد واژه «اجر» در قرآن با ۱۴ هم‌نشین همراه است که مهم‌ترین آنها «عظیم»، «کبیر» و «کریم» می‌باشند. همچنین چهار واژه جانشین یعنی «ثواب»، «خیر»، «فوز» و «جزاء» در مجموع ۹۳ بار به کار رفته‌اند. بررسی این داده‌ها آشکار ساخت که حوزه معنایی «اجر» دارای مؤلفه‌هایی چون: شمول پاداش مادی و معنوی، گستره دنیوی و اخروی، ارتباط با عمل نیک، قابلیت اکتساب برای بندگان، تناسب با مراتب ایمان، نتیجه‌بودن نسبت به عمل، و اعطایی و قطعی بودن از جانب خداوند است. در نتیجه، تحلیل معناشناختی ریشه «اجر» بیانگر نظام معنایی غنی و چندلایه در قرآن کریم است که ابعاد فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی حیات انسان را پوشش می‌دهد.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، معناشناسی ریشه «اجر»، هم‌نشینی و جانیشینی، مولفه معنایی.

 raficean95@Gmail.com	<p>۱. کارشناسی ارشد، تفسیر و علوم قرآن، دانشکده علوم قرآنی، تهران، ایران.</p>
 0000-0003-0591-4445	
<p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۵</p>	<p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰</p>
<p>استاددهی: رفیعیان، فرشته (۱۴۰۴). «بررسی مولفه معنایی ریشه «اجر» بر محوریت هم‌نشینی و جانیشینی در قرآن کریم»، مطالعات تفسیری آلاء الرحمن، دوره ۳، ش ۱۱، صفحات ۲۷-۵۵.</p>	
 <a href="https://alaorahman.jz.ac.ir/article_243586.html">https://alaorahman.jz.ac.ir/article_243586.html</a>	

## ۱. مقدمه

تبیین زبان قرآن و مفاهیم آن، به دانش‌های متعددی نیاز دارد تا بتوان به لایه‌های معنایی آن دست یافت و گامی در جهت تدبّر و شناخت این کتاب ارزشمند برداشت. یکی از مفاهیم اساسی قرآن که دانشمندان لغت‌شناس و مفسران به آن پرداخته‌اند، ریشه «اجر» است. یکی از دانش‌هایی که می‌توان در جهت شناخت هرچه بیش‌تر این مفهوم به کار برد، دانش معناشناسی است که بر اساس دو رویکرد در زمانی و هم‌زمانی به مطالعه واژه‌ها می‌پردازد. در رویکرد در زمانی یا تاریخی، تغییرات یک واژه در طی زمان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در رویکرد هم‌زمانی به مطالعه رابطه معنایی در مقطعی خاص پرداخته می‌شود. معناشناسان سعی داشته‌اند برای مطالعه دقیق‌تر معنی واژه‌ها، مفهوم آن‌ها را به مشخصه‌هایی تجزیه کنند. هر یک از این مشخصه‌ها، مؤلفه‌های معنایی خاصی را برای مفهوم یک صورت زبانی در نظر می‌گیرد. تعیین مؤلفه‌های معنایی واژه «اجر» و دستیابی به لایه‌های معنایی آن از اهداف اصلی این نوشتار است که با استفاده از سیاق آیات و روابط هم‌نشینی و جانشینی تعیین می‌گردد.

ریشه «اجر» با گونه‌های فعلی و اسمی آن ۱۰۸ بار در ۳۹ سوره و ۹۹ آیه در قرآن به کار رفته که از این تعداد ۴۳ گونه اسمی آن در اختتام آیات به صورت موصوف و مضاف آمده، و قریب به ۱۵ آیه به گونه فعلی، و مابقی به صورت اسمی در وسط آیات است. در این پژوهش با استفاده از علم معناشناسی «دریافت معنای واژه بر اساس روابط هم‌نشینی و جانشینی» در مورد کاربرد ریشه «اجر» به صورت همه‌جانبه مورد توجه است، تا بتوان با روش معناشناسی، و با استفاده از نظر مفسران، و طبق شیوه کتابخانه‌ای برای کسب اطلاعات، به شناسایی روابط بین ریشه «اجر» با جانشینان و هم‌نشینان آن، به مؤلفه‌های معنایی ریشه مورد پژوهش دست یافت.

## پیشنه تحقیق

گفتنی است در حوزه مطالعات معناشناسی قرآن، پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته، اما در معناشناسی ریشه «اجر» پژوهش ویژه‌ای انجام نشده است. دو مقاله وجود دارد که یکی مربوط به «اولین همایش ملی واژه‌پژوهی در علوم اسلامی» در سال ۱۳۹۵ است از؛ «صدیقه باقری و

مهدی مطیع» با عنوان «معنایابی واژه اجر در اختتام آیات». روشن است مقاله فوق، روش معناشناسی ندارد، و بر اساس روش تحلیلی-توصیفی، و با توجه به رابطه پیوند معنایی که بین مضمون آیه و عبارت پایانی آیه وجود دارد، در صدد بوده که به معنایابی واژه اجر بپردازد. بعلاوه، مقاله فوق‌الذکر، از میان ۱۰۸ کاربرد ریشه «اجر» در قرآن، فقط به ۴۳ مورد که در اختتام آیات هستند، توجه نموده، و تنها به واژه‌های هم‌نشین پرداخته؛ لذا از ۶۵ آیه دیگر، از جمله گونه‌های اسمی و فعلی و جانشین‌های آنها در آنجا اثری نیست و دیگری مقاله «وجوه معنایی اجر در قرآن کریم با تکیه بر معناشناسی تاریخی» است از «محمود طیب حسینی، محمدحسین شیرزاد و محمدحسن شیرزاد» روشن است که مقاله فوق با رویکرد تاریخی به واژه‌ی اجر پرداخته است، اما در این مقاله رویکرد معناشناسی صرف، با توجه به هم‌نشین‌ها و جانشین‌ها است.

## ۲. بسامد قرآنی ریشه «اجر» در قرآن کریم

ماده «اجر» و مشتقات آن ۱۰۸ بار در ۳۹ سوره و ۹۹ آیه به‌کاررفته که از این میان ۱۰۶ بار به‌صورت اسمی و دو بار هم به‌صورت فعلی تکرار شده است.

### ۲-۱. معنای لغوی «اجر»

برای شروع به معناشناسی هر کلمه، نخستین قدم، فهم معنای ریشه‌ای واژه است که این کار با بررسی کتاب‌های لغوی و معجم‌های عربی صورت می‌گیرد. ماده «اجر» به همراه تمامی مشتقات و کاربردهای قرآنی و غیرقرآنی‌اش در کتاب‌های لغت، مفصلاً تشریح شده است، اما در این بخش برای جلوگیری از اطناب به بحث مختصری از آن اشاره خواهد شد.

أجر به معنای جزای عمل (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۱۲/۶)، پاداش و ثواب (ابن منظور، لسان‌العرب، ۱۴۱۴: ۱۰/۴)، پاداش، ثواب و مزد که در مقابل عمل پسندیده به عامل می‌رسد (قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ۱/۲۵) مزد و پاداشی است که به‌کار تعلق می‌گیرد چه کار دنیوی و چه کار اخروی، «إِنْ أُجِرْتِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ» (هود: ۲۹) ولی «أُجِرْتُ» فقط برای پاداش و مزد دنیوی است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱۵۱)، «أُجُورٌ» جمع أجر به معنای جزای عمل یعنی مهریه‌ها، چنان‌که خداوند می‌فرماید: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ» (نساء: ۲۴) اصل این ماده

«أَجْرَت» است در مقابل کاری که فرد انجام می‌دهد (طریحی، ۱۳۷۶: ۳/۱۹۹). «أَجْرَت» درباره عقد و پیمان‌هایی جاری می‌شود که همواره برای سود و نفع است، نه زیان و ضرر، ولی واژه جزاء برای بودن یا نبودن عقد و پیمان و همچنین در سود و زیان، هر دوی به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱۵۲-۱۵۱).

## ۲-۲. معناشناسی ریشه (اجر) بر اساس روابط هم‌نشینی

منظور از روابط هم‌نشینی<sup>۱</sup>، پیوستگی یک واژه با سایر واژگان درون سیستم زبانی می‌باشد. در این بررسی باید دید که هر واژه با کدامیک از واژه‌های دیگر زبان رابطه‌ی هم‌نشینی دارد. به این رابطه، رابطه‌ی نحوی نیز می‌گویند (باقری، ۱۳۷۶: ۲۳۱). رابطه هم‌نشینی بر اساس روابط اجزای حاضر در پیام است (همان، ص ۷۵). در نظام هم‌نشینی، ارتباط بین عوامل زبانی از نوع ترکیبی یا پیوسته است و هر عامل در کنار عامل دیگر قرار می‌گیرد به همین دلیل در فرایند هم‌نشینی زبانی از حضور همه‌ی عوامل زبانی در کنار یکدیگر ضروری است و امکان حذف هیچ یک از عوامل زبانی نیست (شعری، ۱۳۸۶: ۱۰۹-۱۱۰).

اینک به نوزده مورد که با ریشه «اجر» هم‌نشین شده‌اند اشاره می‌شود.

### ۲-۲-۱. هم‌نشینی ریشه «اجر» با ساختار اسمی

در بررسی روابط معنایی هم‌نشینی به منظور دست‌یافتن به مراد الهی از «اجر»، با توجه به کثرت و تعداد واژگان و مفاهیم هم‌نشین با آن و مشتقاتش و در نظر گرفتن مجال پژوهش، به بررسی نظر برخی از مفسران پرداخته می‌شود.

ردیف	عبارت قرآنی	نوع	تعداد
۱	«أَجْرَ عَظِيمٍ»	صفت	۲۰
۲	«أَجْرَ كَبِيرٍ»	صفت	۵
۳	«أَجْرَ كَرِيمٍ»	صفت	۴
۴	«أَجْرَ حَسَنًا»	صفت	۲
۵	«أَجْرَ غَيْرِ مَمْنُونٍ»	مضاف‌الیه	۴

1. Syntagmatic Relations.

۶	«أَجْرٌ بَعِيرٌ حِسَابٌ»	حال	۱
۷	«أَجْرُ الْعَالَمِينَ»	مضاف الیه	۷
۸	«أَجْرُ الْمُؤْمِنِينَ»	مضاف الیه	۱
۹	«أَجْرُ الْمُصْلِحِينَ»	مضاف الیه	۱
۱۰	«أَجْرُ الْمُحْسِنِينَ»	مضاف الیه	۴
۱۱	أَجْرِيَا «عِنْدَ رَبِّ» يَا «عَلَى اللَّهِ»	شبه جمله	۹
۱۲	أَجْرِيَا «لَنَا» يَا «اتَّخَذَتْ»	مفعول به برای فعل در جمله	۴
۱۳	أَجْرِيَا «الْآخِرَةَ»	مضاف الیه	۲
۱۴	أَجْرٌ بَا «مَرَّتَيْنِ»	نائب مفعول مطلق	۲

جدول ذکرهمه‌ی هم‌نشین‌های ساختاراسمی ریشه «اجر» و تعداد آن‌ها»

#### ۱) هم‌نشینی ریشه‌ی «أَجْر» با صفت «عَظِيم»

صفت عظیم از جمله صفاتی است که در قرآن کریم بیشترین همراهی را با مشتقات ریشه «اجر» داشته است. عظیم، بزرگ‌تر از هر چیزی (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۲۲۸/۲)، در مقابل حقیر به معنی برتری قدرت و ریاست معنوی یا مادی است، اگر صفت خدا باشد یعنی کسی که قدرت او فراتر از عقل به طوری که احاطه به ذات او قابل تصور نباشد (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۱۷/۶). خداوند در قرآن و عده «اجر عظیم» به اجابت کنندگان دعوت خدا و رسول (آل عمران: ۱۷۲)، ایمان آوردن به خدا و رسول (آل عمران: ۱۷۹) عمل کنندگان به موعظه‌ها (نساء: ۶۷-۶۶)، مجاهدان در راه خدا (نساء: ۷۴)، آمران به معروف (نساء: ۱۱۴)، توبه‌کنندگان (نساء: ۱۴۶-۱۴۵)، عاملان به کارهای نیک (مائده: ۸)، مهاجران (توبه: ۲۲-۲۰) و پرهیزکاران (طلاق: ۵) وعده داده است. در آیات بیست‌گانه سخن از بالاترین مرتبه‌ی ایمان «تقوا» و عمل صالح است.

نکته دیگر درباره مشمولین «أَجْر عظیم» اینکه در تمام آیات سخن از مؤمنان و ویژگی‌های آنان است؛ تنها در آیه ۱۴۶ نساء سخن از منافقانی که توبه کرده و از نفاق خود برگشته‌اند است. در آیات ۴۰ و ۶۷ سوره نساء خداوند بیان کرده که «أَجْر عظیم» لدنی است و این لدنی بودن أَجْر نشان‌دهنده این است که با مطلق پاداش تفاوت بسیار دارد؛ «أَجْر لدنی» مستقیماً از خدایی سبحان است و به مراتب بیش از أَجْر باواسطه است. با بررسی این آیات روشن گردید که تسلیم

همه جانبه در برابر احکام خداوند و عمل حسنه دو عاملی هستند که منجر به دریافت «أجر عظیم» لدنی می شوند.

## ۲) هم‌نشینی واژه «أجر» با صفت «کبیر»

صفت «کبیر»؛ از ریشه «کبر» است. به هر چیزی که بزرگی (فراهیدی، ۱۴۰۴: ۵/۳۶۱)، که مخالف آن کوچک است گفته می شود (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۵/۱۵۳). «کبیر» از صفات و اسماء خداوند (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۰/۱۸)، به معنای صاحب کبریایی و بزرگ است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵/۱۲۵؛ قرشی، ۱۴۱۲: ۶/۷۳). خداوند در قرآن کریم از دو سرمایه بزرگ رستگاری انسان یاد می کند از صبر (هود: ۱۱-۱۰) و تواضع (ملک: ۱۲) که هریک از آنان در کنار ایمان سبب بهره مندی از پاداش بزرگ است. در هر دو سوره، «کبیر» به صورت نکره است که توصیف اجر به بزرگی، اشاره ای به عظمت الطاف و مواهب الهی، و ابدیت و خلوص و دوام آن است، نه تنها در آخرت که در دنیا نیز قسمتی از این «اجر کبیر» عائد آن‌ها می شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۳/۳۱۵).

در قرآن کریم، هم‌نشینی «أجر» با صفت «کبیر» بیانگر پاداشی است که از حیث مقدار و منزلت، مرتبه ای والا دارد و از حدود متعارف پاداش های بشری فراتر می رود. «کبیر» در بافت قرآنی غالباً برای توصیف امری با اهمیت، ارزشمند و سنگین به کار می رود؛ از این رو، ترکیب «أجر کبیر» دلالت بر پاداشی بزرگ، پایدار و باارزش دارد که خداوند در قبال ایمان و عمل صالح بندگان وعده کرده است. این ترکیب از نظر معناشناختی کارکردی توصیفی - تأکیدی دارد و نشان می دهد که پاداش الهی، نه تنها جنبه جبرانی و مزد در برابر عمل دارد، بلکه به دلیل عظمت فاعل (خداوند) و ارزش عمل صالح، دارای شأنی رفیع و جایگاهی بلند است. به این ترتیب، «أجر کبیر» در سیاق قرآنی نوعی برجسته سازی معنایی است که بر اهمیت فوق العاده و منزلت والای جزای الهی تأکید می نماید.

## ۳) هم‌نشینی ریشه ی «أجر» با صفت «کریم»

کریم از ریشه «کرم» (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۵/۳۶۸)، هرگاه شیء با کریم همراه شود به معنی عزت در ذات خود شیء است مانند آیه «کِتَابٌ کَرِیْمٌ» (نمل: ۲۹) و «مِن کُلِّ رَوْحٍ کَرِیْمٍ»

«لقمان: ۱۰». از بررسی آیاتی که با «أجر کبیر» اختتام می‌یابند، این نتیجه را می‌توان گرفت که در آن‌ها بحث از ایمان و عمل صالح (اسرا: ۹؛ فاطر: ۷) است، و در هریک از این آیات با توجه به بافت آیه، از عمل صالحی که موجب بهره‌مندی «أجر کبیر» می‌گردد بحث شده است. به‌عنوان نمونه در سوره هود آیه ۱۱ از صبر، حدید آیه ۱۱ از انفاق، و ملک آیه ۱۲ از خشیت پروردگار در غیب سخن گفته است. شایان ذکر است که از ۵ آیه‌ای که با أجر کبیر اختتام می‌یابند در سه آیه (هود: ۱۱؛ فاطر: ۷؛ ملک: ۱۲) مغفرت با «أجر کریم» قرین و همراه گردیده است.

در قرآن کریم، هم‌نشینی «أجر» با صفت «کریم» نشان‌دهنده آن است که پاداش الهی صرفاً کمی یا مادی نیست، بلکه دارای کیفیتی والا و شرافتمندانه است. «کریم» در کاربردهای قرآنی به معنای چیزی است که علاوه بر ارزش ذاتی، آمیخته با شرافت، بزرگواری و زیبایی است. از این‌رو، ترکیب «أجر کریم» دلالت بر پاداشی دارد که همراه با کرامت، عزّت و لطف الهی به بندگان مؤمن و مطیع عطا می‌شود. اگر «کریم» را به معنای «عزت در ذات شیء» بدانیم، نتیجه این خواهد بود که «أجر کریم» از نگاه قرآن، پاداشی است که ذاتاً عزت‌مند است و هیچ‌گونه تحقیری در آن وجود ندارد. این نتایج باید در هر بخش عنوان شوند تا به تدریج بتوان به یک نظریه کلی و جامع درباره معنای «اجر» در قرآن دست یافت؛ نظریه‌ای که بازتاب‌دهنده جهان‌بینی قرآن نسبت به این واژه است.

#### ۴) هم‌نشینی ریشه‌ی «أجر» با صفت «حَسَنًا»

صفت «حَسَن» از ریشه واژه «حسن» صفت است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲/۲۲۲)، صفتی به معنی زیبا و نیکو (قرشی، ۱۴۱۲: ۲/۱۳۶)، جمع آن محاسن است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳/۱۴۳)، و ضد آن قبیح است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۲/۵۸). در آیات مشتمل بر صفت و موصوف «أَجْرٌ حَسَنًا» سخن از ایمان و عمل صالح (کهف: ۲) است. نکته دیگر در آیه ۱۶ سوره فتح اطاعت سبب بهره‌مندی «أجر حسن» معرفی کرده است. در واقع کسی که این سه تا ویژگی ایمان، عمل صالح و اطاعت را دارا باشد صاحب أجر نیکو می‌شود.

نتیجه هم‌نشینی «أجر» با صفت «حسن» در قرآن این است که پاداش الهی هم «زیبا» و هم «نیکو» است؛ یعنی هم دارای کیفیتی ارزشمند و اخلاقی است و هم جذاب و مطلوب. اگرچه

«زیبایی» و «نیکویی» دو مفهوم متفاوت‌اند، اما با توجه به سیاق آیات، کسی که ایمان، عمل صالح و اطاعت را دارا باشد، واجد چنین پاداش والایی می‌شود؛ پاداشی که هم نمایانگر ارزش و شایستگی اعمال اوست و هم بیانگر جذابیت و زیبایی آن در چشم‌انداز قرآنی.

#### ۵) هم‌نشینی ریشه‌ی «أجر» با مضاف الیه «غیر مَمْنون»

صفت «مَمْنون» از ریشه «مَنَن» است (ابن‌فارس، ۱۳۹۹: ۵ / ۲۷۴)، درباره معنای «غیر مَمْنون» چند وجه معنایی وجود دارد: ۱) پاداش بدون منت و اذیت (۲) پاداش غیر مقطوع و جدانشدنی (فراهیدی، ۱۴۰۴: ۸ / ۳۷۴) (۳) پاداش نامحدود (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱ / ۷۷۷) (۴) پاداش بدون نقصان و کمبود البته شایسته این است که لفظ بر کل حمل شود، چون شرط پاداش، دستیابی به کل است (فخررازی، ۱۴۲۰: ۳۱ / ۱۰۶). أجر غیر مَمْنون در ۴ آیه بیان شده است که سه آیه خطاب به کسانی است که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند در صورتی که این آیات با ما قبلشان بررسی می‌گردند می‌توان ایمان و عمل صالح را مقید نمود. به‌عنوان نمونه در آیه ۸ فصلت مراد ایمان به آخرت و مراد از عمل صالح پرداخت زکات است، و در آیه ۲۵ انشقاق ایمان به معاد و معارف قرآن و سوره تین آیه ۸ پاداش دائمی برای ایمان‌آوردندگان است و سوره قلم آیه ۳ خطاب به پیامبر ﷺ، در مقام دلخوش کردن و پاداش رسالت ایشان است. در آیاتی که بحث از ایمان و عمل صالح است.

هم‌نشینی «أجر» با صفت «مَمْنون» در قرآن کریم دلالت بر ویژگی‌های خاص پاداش الهی دارد. این ترکیب نشان می‌دهد که پاداش الهی:

- ۱) بدون منت و وابسته به ادعای انسانی است،
- ۲) غیر مقطوع و محدود به زمان یا مکان خاص نیست،
- ۳) نامحدود و فراگیر است.

از این‌رو، «أجر مَمْنون» بیانگر عطیه‌ای است که نه تنها نتیجه شایستگی و عمل صالح است، بلکه دارای کیفیتی الهی و نامحدود بوده و از هرگونه محاسبه و کم‌وکاست انسانی فراتر می‌رود. چنین ترکیبی از صفت و موصوف، جنبه‌ای تأکیدی و برجسته از جهان‌بینی قرآن نسبت به پاداش الهی را ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که اجر در نگاه قرآن نه‌تنها پاداش بلکه اعطایی کریمانه و با ارزش والا است.

#### ۶) هم‌نشینی ریشه‌ی «أجر» با حال «غیر حساب»

صفت حساب از ریشه «ح س ب» (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۳/۱۴۹) به معنی شمردن است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۲/۱۲۷؛ قرشی، ۱۴۱۲: ۲/۱۲۷) نظارت و دقت به قصد تجسس و طلب که در فارسی به معنی رسیدگی است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲/۲۱۲). خداوند در آیاتی خطاب به رسول ﷺ که به اهل ایمان توصیه و تأکید بنما که از گناهان و از رذائل اخلاقی بپرهیزند و در همه حال تقوی و خویشتن‌داری را روش خود قرار دهند که نیروی تقوی سعادت بشر را در دو جهان تامین می‌نماید و به صورت و سیرت انسانی صفا و نورانیت می‌بخشد. از جمله آیه «قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (زمر: ۱۰)

بنابراین «بی حساب» بودن اجر نشان‌دهنده فراوانی، بی‌نهایت بودن و عطیه غیر محدود الهی است. در سیاق آیات مربوط به این ترکیب، معمولاً در ارتباط با صبر، ایمان و عمل صالح است؛ این نکته تأکید می‌کند که پاداش الهی نه یک مبادله محاسباتی عادی، بلکه عطیه‌ای استثنایی، غیر مقطوع و فراتر از هر معیار زمینی است.

#### ۷) هم‌نشینی ریشه‌ی «أجر» با مضاف الیه «عمل‌کنندگان»

صفت «العاملین» از ریشه «ع م ل»؛ (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۴/۱۴۵)، اسم فاعل از ریشه عمل (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۲/۱۵۳) به معنی هرفعلی و کاری که با قصد، از جاندار سر بزند. گاهی واژه عمل در کارهای صالح و ناصالح هر دو به کار می‌رود، در آیات: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (بقره: ۲۲۷) و «مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ» (نساء: ۱۲۳) در قرآن ۷ آیه «العاملین» به دو صورت اسمی «أَجْرُ الْعَامِلِينَ» و فعلی «أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا» ختم می‌شود. با بررسی آیات اجر مشاهده می‌شود که در آیه از عمل کردن سخن به میان آمده است که از بررسی اختتام با متن آیات این نتیجه حاصل شد که خداوند به ایمان‌آوردگان، صابران (نحل: ۹۶)، عمل‌کنندگان به صالحات (کهف: ۳۱-۳۰)، پرهیزکنندگان (زمر: ۷۴-۷۳)، توکل‌کنندگان (عنکبوت: ۵۹-۵۸) و توبه‌کنندگان (آل عمران: ۱۳۶-۱۳۵) پاداش نیکو می‌دهد که این پاداش بهشت‌های است که زیر آن‌ها نهرهای جاری است.

بررسی هم‌نشینی «أجر» با صفت «العالمین» و با مضاف الیه «من أحسن عملاً» در قرآن نشان می‌دهد که پاداش الهی دارای دو بعد اساسی است. بعد اول همان‌گونه که در آیات متعدد، از جمله: «وَسَيُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ بِالْعَالَمِينَ خَبِيرٌ» دیده می‌شود، «العالمین» صفت خداوند به معنای «پروردگار همه جهانیان» است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴۵۷/۱۳). هم‌نشینی این دو واژه نشان می‌دهد که پاداش الهی جامع، آگاهانه و عادلانه است؛ اعمال تمامی موجودات نزد خداوند آشکار است و هیچ عملی از نظر او پنهان نمی‌ماند (فخررازی، ۱۴۲۰: ۵۰۲/۱۹). بعد دوم أجر با من أحسن عملاً عبارت «أَجْرٌ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا» نشان می‌دهد که پاداش الهی به کیفیت عمل بستگی دارد؛ کسی که عملش «أحسن» باشد، پاداش کامل دریافت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴۵۸/۱۳). این ترکیب تأکید می‌کند که معیار خداوند برای پاداش، عدالت دقیق و توجه به کیفیت و حسن عمل است، نه صرفاً کمیت یا ظاهر عمل.

**نتیجه کلی:** هم‌نشینی‌های یادشده نشان می‌دهد که پاداش الهی هم جهانی و جامع است و هم مبتنی بر کیفیت عمل؛ بنابراین خداوند پاداش دهنده‌ای است که جامعیت، عدالت و دقت را در نظر می‌گیرد و هیچ عمل صالحی را از نظر نمی‌گذارد.

۸) هم‌نشینی ریشه‌ی «أجر» با مضاف الیه «المؤمنین» واژه «المؤمنین»؛ اسم فاعل جمع مذکر سالم از باب افعال ریشه «أمن» در مقابل خوف و ترس (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۳۸۸/۸)، به معنا آرامش خاطر و آرامش نفس است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱/۱۵۳). «مؤمن» به صفات خداوند متعال این است که به آنچه به بنده خود وعده ثواب داده ایمان بیاورد (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۱/۱۳۵). راغب به معنای امنیت دادن خدا به فرد معنا کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱/۹۰). یک آیه درباره پاداش مومنان (آل عمران: ۱۷۱-۱۶۹) است که در آن هم فقط از پاداش شهدا سخن گفته شده که از بررسی اختتام با متن آیه این معنا به دست می‌آید که آیه درصدد بیان اجر مؤمنین است. در واقع منظور از مؤمن همان‌طور که در منابع لغت آمده است؛ امنیت دادن خدا به فرد و نقطه مقابل ترس و خوف و معنا أجر هم باتوجه به آیه رزق شهیدان است که این رزق همان نعمت و فضل از جانب خدا است، بنابراین این نعمت و فضل عبارت می‌شود از اینکه نه خوفی دارند و نه حزنی.

در نتیجه هم‌نشینی «أجر» با «المؤمنین» بیانگر آن است که پاداش الهی به مؤمنان، علاوه بر جنبه مادی و معنوی، شامل امنیت، آرامش نفس و فقدان ترس و خوف نیز هست و این پاداش، نعمتی است از جانب خداوند که جامع و کامل است.

۹) هم‌نشینی ریشه‌ی «أجر» با مضاف‌الیه «المُصلِحین» واژه‌ی «المُصلِحین»؛ اسم فاعل جمع مذکر سالم از باب افعال ریشه «صلح» (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۱۱۷/۳)، و تقیض فساد است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۳/۳۰۳؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۳۶/۶)، در موارد زیادی مخصوص از بین رفتن نفرت و کینه از میان مردم می‌باشد. یک آیه درباره پاداش مصلحین است. «وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ» (اعراف: ۱۷۰) بنابراین اصلاح‌گران صاحب دو ویژگی؛ یکی اینکه به کتاب خدا تمسک جسته‌اند و دیگر اینکه نماز را برپا می‌دارند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۸/۲۹۹).

بنابراین، هم‌نشینی این ترکیب نشان می‌دهد که پاداش الهی نه تنها به کمیت عمل، بلکه به کیفیت، نیت و اثر اصلاحگری عمل نیز توجه دارد و دین و اخلاق در قرآن، هم ابعاد فردی و هم اجتماعی عمل صالح را مدنظر قرار می‌دهد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۳/۴۵۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۲/۲۱۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۳/۴۵۸).

۱۰) هم‌نشینی ریشه‌ی «أجر» با مضاف‌الیه «المُحْسِنِین» واژه «المُحْسِنِین»؛ اسم فاعل جمع مذکر سالم از باب افعال ریشه «حسن» (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۱۴۳/۳)، حسن با دو فتحه صفت است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲/۲۲۲) به معنی زیبا و نیکو. «مُحْسِنٌ»؛ نیکوکار، «مُحْسِنِین»؛ نیکو کاران و «مُحْسِنَاتٌ» زنان نیکوکار معنا شده و به نظر می‌آید که این اسما فاعل در قرآن به جای صفت مشبه به کار رفته‌اند و از آن‌ها ثبوت اراده شده است (قرشی، ۱۴۱۲: ۲/۱۳۶). «أَجْرَ الْمُحْسِنِین» پاداشی برای مهاجران (توبه: ۱۲۰-۱۱۹)، صابران (هود: ۱۱۵) پرهیزکاران (یوسف: ۹۰) و پیروزمندان در امتحان الهی (یوسف: ۵۶) است. با توجه به آیاتی که با «فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِین» اختتام می‌یابد مشاهده می‌گردد که واژه احسان در این آیات به صورت اسمی هست و بدین معناست که این صفت در فرد تثبیت و جزئی از وجود او گردیده و همیشه همراه باشد. در آیات متعددی، تقوا و عمل حُسن با یکدیگر ذکر

شده‌اند و متقین با وصف «مُحْسِنِينَ» مطرح گردیده‌اند و بیانگر این مطلب است که اعمال متقین همیشه حُسن و در مرتبه بالایی است و هیچ رفتار ناشایستی از آنان سر نمی‌زند.

با توجه به هم‌نشینی «أجر» با «المحسنین»، أجر به معنای مزد الهی است که به کسانی تعلق می‌گیرد که اعمال حسن را با نیت درست و ثبات در وجود خود انجام می‌دهند؛ پاداشی جامع، عادلانه و شامل کیفیت، اثر اخلاقی و اجتماعی عمل آنان است.

۱۱) هم‌نشینی ریشه‌ی «أجر» با شبه جمله «عِنْدَ رَبِّ» یا «عَلَى اللَّهِ» اسم «عِنْدَ»؛ ظرف است به معنی قرب و نزدیکی (قرشی، ۱۴۱۲: ۵/۵۶). حرف «عَلَى»؛ از حروف جاره است. در قرآن ۹ آیه به شبه جمله «أَجْرَ عِنْدَ رَبِّ» یا «عَلَى اللَّهِ» است. با توجه به آیات مشاهده می‌گردد که واژه اجر در این آیات به صورت متعلق برای «عِنْدَ رَبِّهِمْ» و «عَلَى اللَّهِ» است. در واقع این شبه جمله نوع دیگری از اجر برای بندگانی است که ایمان خالصانه (بقره: ۶۲؛ حدید: ۱۹)، خاشعانه (آل عمران: ۱۱۹) و تسلیمانه (بقره: ۱۱۲)، آورده باشند و مشغول به عمل صالحی هم چون مهاجرت (نساء: ۱۰۰)، انفاق و پرداخت زکات (بقره: ۲۶۲؛ بقره: ۲۷۷) و درگذشتگان از بدی دیگران (شوری: ۴۰) هستند. البته کیفیت این نوع اجر مشخص نیست و خداوند فقط بیان کرده که در نزد خودش است، ظاهراً مراد از همه آن‌ها حتمی بودن یا جاودان بودن اجر است.

هم‌نشینی «أجر» با «عند رب» و «علی الله» نشان می‌دهد که پاداش الهی فراتر از محدودیت‌های انسانی، محفوظ و پایدار نزد خداوند است و اعمال صالح با ایمان و نیت درست، تضمین دریافت پاداش جاودانه و قطعی را دارند.

۱۲) هم‌نشینی ریشه‌ی «أجر» با مفعول «لَنَا» یا «اتَّخَذْتُ» فعل «اتَّخَذْتُ» از ماده «اخذ»؛ (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۴/۲۹۸)، به معنا تصرف و به‌دست آوردن است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱/۶۷). حرف «ل»؛ یکی از حروف عامل در زبان است که معانی مختلف دارد، اول به معنی حرف - جر- که آیات در ادامه می‌آیند هم به این معنا است. با نظر به آیاتی که با «أجر» یا «لَنَا» یا «اتَّخَذْتُ» همراه است، مشاهده می‌گردد که واژه «لَنَا» و «اتَّخَذْتُ» در این آیات به معنای طلب کردن اجرت از کسی در برابر عمل و کاری که برای او

انجام شده است. بنابر آیات الهی، آن‌گاه که حضرت موسی و عبد صالح خسته از سفر به روستای وارد می‌شوند، دیواری دیدند که در حال ریختن بود. عبد صالح با آن‌که از مردمان روستا غذایی خواست و به او ندادند، به رایگان دیوار را ترمیم کرد و همین امر اعتراض حضرت موسی را برانگیخت که چرا بدون دریافت دستمزد، این خدمت را به آنان کردی «کهف: ۷۷» مفسران قرآن جملگی بر این نظر هستند که أجر در این آیه شریفه ناظر بر اجرتی است که مزدور از کارفرمای خود دریافت می‌دارد (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲ / ۷۴۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۷۵۲؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۱ / ۴۸۹).

مبتنی بر نظریه مفسران، دلالت «أجر» بر «دستمزد» را می‌توان دو بار در داستان فرعون و ساحران دریافت (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۲ / ۵۳؛ ۳ / ۲۶۳؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۲ / ۴۳۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۷۱۰)؛ آنجا که ساحران در نخستین ملاقات خود با فرعون از او پرسیدند که اگر در آوردگاه با موسی پیروز شوند، آیا اجرت زحمتشان را دریافت خواهند کرد (اعراف: ۱۱۳) و (شعراء: ۴۱).

هم‌نشینی «أجر» با «لنا» و «اتخذت» نشان می‌دهد که پاداش الهی نه تنها به خود عمل، بلکه به تعلق آن عمل به خداوند و انتخاب آگاهانه و نیت درست فرد بستگی دارد. «أجر لنا» بیانگر آن است که پاداش الهی متعلق به کسانی است که عملشان به سوی خداوند معطوف شده و نزد او محفوظ است. «أجر اتخذت» نشان می‌دهد که پاداش بر اساس انتخاب و تصمیم آگاهانه فرد برای انجام عمل صالح تعلق می‌گیرد و اراده و نیت نقش اساسی دارد. در نتیجه از نگاه قرآن، «أجر لنا» و «أجر اتخذت» پاداشی است که هم تعلق به خداوند دارد، هم مشروط به انتخاب و نیت درست فرد بوده و تضمین‌کننده دریافت پاداشی عادلانه و پایدار است.

۱۳) هم‌نشینی ریشه‌ی «أجر» با مضاف‌الیه «الآخرة»

واژه «الآخرة» از ماده «أخر» (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۴ / ۳۰۳)، نقیض متقدم است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۱ / ۷۰). «دارالآخرة» یعنی خانه آخرت که حیات ثانوی است تعبیر شده همان‌طور که حیات دنیوی و این جهان را به «دارالدنیا»، تعبیر کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱ / ۶۸). جمله «وَلَا أُجْرُ الْآخِرَةَ»؛ اشاره به این نکته است که «أجر اخروی» از «أجر دنیوی» بهتر است،

زیرا در آخرت سعادت آمیخته با بدبختی نیست، بلکه خلودی است که فنا در آن راه ندارد و کام و لذتش با ناکامی توأم نیست، و این بهره‌مندان این اجر که پرهیزکاران (یوسف: ۵۷) و مهاجران (نحل: ۴۱) هستند در جوار رحمت پروردگار ساکن می‌باشند.

در قرآن کریم، هم‌نشینی «أجر» با «الآخرة» نشان می‌دهد که پاداش الهی جاودان، پایدار و متعلق به عالم پس از مرگ است. این ترکیب تأکید می‌کند که اعمال صالح با نیت درست و ایمان واقعی، نه تنها در دنیا بلکه در آخرت نیز پاداش دریافت می‌کنند و جهان‌بینی قرآن نسبت به «أجر» نگاه به ارزش و نتیجه بلندمدت اعمال انسانی است.

#### ۱۴) هم‌نشینی واژه‌ی «أجر» با «أجر مَرْتَبِینِ»

واژه‌ی «مَرْتَبِینِ» از ریشه «مرر»؛ مصدری که دال بر کثرت و جنسیت است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵/۱۶۶). در قرآن ۲ آیه «أَجْرٌ مَرْتَبِینِ» به‌کار رفته که سخن از صبر در طاعت است که در آیه ۵۴ سوره قصص از اطاعت همه افراد بر عبادت و در آیه ۳۱ احزاب مختص بر صبر اطاعت همسران پیامبر است.

هم‌نشینی «أجر» با «أجر» در قرآن کریم نشان می‌دهد که پاداش الهی فراوان، چند برابر و فراتر از محاسبات انسانی است و تأکیدی بر لطف، کرم و عدالت الهی در پاداش دادن اعمال صالح است. این ترکیب جهان‌بینی قرآن نسبت به «أجر» را به‌عنوان پاداشی غیرمحدود، ارزشمند و تشویق‌کننده برای عمل صالح منعکس می‌کند.

#### ۲-۲-۲. هم‌نشینی «اجر» با ساختار فعلی

در قرآن ۶ فعل «أتی، وَفَی، لَاأَسْأَلُکُمْ، جزی، تَأْجِرْنِی، اسْتَأْجِرْ» با ریشه «اجر» هم‌نشین شده‌است.

ردیف	افعال	نوع	تعداد
۱	أتی با أجر	مفعول به	۲۰
۲	ماده وفی با أجر	مفعول به	۶
۳	أجر یا لا أسئلكم	مفعول به	۱۲
۴	هم‌نشینی أجر با جزی	مفعول به	۴
۵	أجر در باب استفعال و فعل مضارع	فعل	۲

(جدول ذکر همه‌ی هم‌نشین‌های ساختار فعلی ریشه «اجر» و تعداد آن‌ها)

۱) هم‌نشینی ریشه‌ی «أجر» با فعل «أتی»

فعل «أتی» عطاء کردن (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۸/۱۴۸) و بخشیدن معنا شده است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۵۱/۱). صدقه دادن در قرآن با لفظ ایتاء مخصوص شده است در آیات «اقاموا الصلّاة و اتّوا الزّکاة» (بقره: ۲۷۷) از مصدر ایتاء - یعنی دادن، به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۶۱/۱). در قرآن ۱۹ آیه به فعل «أتی» و مفعول به «أجر» ختم می‌شود که در ۱۳ مورد اعطاء پاداش برای ایمان‌آوردگان (نساء: ۱۵۲؛ احزاب: ۳۱؛ حدید: ۲۷؛ نساء: ۶۷ و ۱۶۲)، پرهیزکاران (محمد: ۳۶)، مجاهدان (فتح: ۱۶)، پاداش دنیوی و اخروی (عنکبوت: ۲۷)، وفاکنندگان به عهد (فتح: ۱۰)، آمران به معروف (نساء: ۱۱۴)، توبه‌کنندگان (نساء: ۱۴۶) و انفاق‌کنندگان (قصص: ۵۴). فعل «أتی» عطاء کردن (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۸/۱۴۸) و بخشیدن معنا شده است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۵۱/۱). صدقه دادن در قرآن با لفظ ایتاء مخصوص شده است در آیات «اقاموا الصلّاة و اتّوا الزّکاة» (بقره: ۲۷۷) از مصدر ایتاء - یعنی دادن، به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۶۱/۱) که زمخشری در الکشاف می‌نویسد: «در ۵ آیه قرآن فعل «أتی» با أجر در صیغه جمع مؤنث هم‌نشین شده است که در تمام این آیات به معنای «مهریه» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۵/۵۰۰؛ طوسی، بی‌تا: ۳/۱۶۶) و در آیه ششم سوره طلاق به معنی اجرت و نفقه شیراست (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳/۵۴۹؛ طوسی، بی‌تا: ۷/۸ و ۵۷۱). که عبارتند از:

الف) آیه ۲۴ سوره نساء که بر لزوم پرداخت مهریه در ازدواج موقت «متعّه» تأکید کرده است.

ب) آیه ۲۵ سوره نساء که در بحث مهریه کنیزان، تعبیر اجر را به کار برده است.

ج) آیه ۵ سوره مائده که از حلال بودن ازدواج با زنان مسلمان و اهل کتاب، به شرط پرداخت کردن مهریه‌هایشان خبر داده است و در آیه ۵۰ احزاب آنان دسته از زنان حلال بر پیامبر شمرده شدند که مهرشان داده شده.

د) آیه ۱۰ سوره ممتحنه که از جواز ازدواج با زنان مهاجر، در صورت پرداخت کردن مهریه‌هایشان سخن می‌گوید.

بنابر آیه ۶ سوره طلاق، یکی از وظایف شوهران نسبت به زنان مطلقه آن است که اگر باردارند، نفقه‌شان را بپردازند و اگر فرزندان حاصل از ازدواج را شیر می‌دهند، مزد شیر دادنشان را تقبل کنند. چون اجرت رضاعت در حقیقت نفقه فرزند به گردن پدر است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲۶/۵). البته اجرت شیر باید با زمان و مقدار شیر دادن برحسب عادت و عرف باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۴/۲۴۶).

هم‌نشینی «أجر» با فعل «أتی» در قرآن کریم نشان می‌دهد که پاداش الهی مستقیماً بر اساس عمل واقعی و نیت همراه آن تعلق می‌گیرد. این ترکیب تأکید می‌کند که کیفیت و قصد عمل اهمیت دارد و اعمال انجام شده با نیت درست و خالصانه شرط دریافت پاداش است. در موارد خاص مانند پرداخت مهریه، نفقه و اجرت شیر دادن، «أجر» نشان‌دهنده حق قانونی و اخلاقی افراد و تأکیدی بر عدالت اجتماعی و رعایت حقوق دیگران است. بنابراین، هم‌نشینی «أجر» با «أتی» پاداش الهی را به‌صورت جامع و چندبعدی نشان می‌دهد: پاداش نه تنها به عمل صالح فرد تعلق می‌گیرد، بلکه کیفیت، قصد و اثر اجتماعی و اخلاقی عمل نیز در آن مدنظر است و رعایت عدالت و حقوق دیگران نیز جزئی از مفهوم «أجر» محسوب می‌شود.

## ۲) هم‌نشینی ریشه‌ی «أجر» با فعل «وفی»

فعل «وفی» از ریشه‌ی «وفی» واژه‌ای است که برکامل بودن و تمامیت چیزی دلالت می‌کند. کلمه‌ی وفا نیز به همین مناسبت به معنای اتمام پیمان و عهد و اكمال شرط است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۱۲۹/۶). به هر چیزی که به تمام و کامل خود برسد، به‌طوری‌که چیزی از آن پیمانه کاست و کم نباشد (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۴۰۹/۸ - ۴۱۰).

در آیه قرآن ماده وفی با أجر هم‌نشین است که به معنی دریافت پاداش به‌صورت کامل است که این پاداش به ایمان‌آوردندگان (آل عمران: ۵۷ و ۱۸۵؛ نساء: ۱۷۳)، پرهیزگاران (زمر: ۱۰)، وفاکنندگان به عهد (فتح: ۱۰) و عمل‌کنندگان مخلص (فاطر: ۳۰) اعطاء می‌شود. در این آیات در آن‌ها ماده‌ی وفی هم‌نشین با کلمه‌ی اجر قرار گرفته بود، در رابطه با اعطای کامل اجر عاملان عمل نیک بود که خداوند با آوردن فعلی که از «ماده‌ی وفی» مشتق شده است، سعی در بیان کم نکردن و عدم حبس پاداش آنان را دارد و به آنان اطمینان می‌دهد که به اجر خود بدون کم‌وکاست خواهند رسید.

در نتیجه هم‌نشینی «أجر» با «وفی» در قرآن معنای خاصی از «اجر» را به ما منتقل می‌کند:  
۱. وفای به وعده یا عهد: «وفی» به معنای وفاداری و وفا کردن است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰/۴۵۶). وقتی «أجر» با «وفی» هم‌نشین می‌شود، دلالت بر این دارد که پاداش الهی شامل کسانی می‌شود که به عهد، پیمان یا تعهدات خود وفادار هستند.

۲. پاداش عدالت و صداقت: این ترکیب نشان می‌دهد که اجر الهی تنها به انجام عمل صالح محدود نمی‌شود، بلکه کیفیت اخلاقی عمل به‌ویژه وفاداری و صداقت نیز در آن اهمیت دارد.  
۳. بعد اخلاقی و اجتماعی: وفاداری به عهد، علاوه بر ارزش فردی، اثر اجتماعی و تعامل انسانی دارد. بنابراین، هم‌نشینی «أجر» با «وفی» تأکیدی بر ارزش اخلاقی و پابندی به حق و عدالت در روابط انسانی است.

جمع‌بندی معنایی: هم‌نشینی «أجر» با «وفی» در قرآن کریم نشان می‌دهد که پاداش الهی شامل وفاداران به عهد و پیمان است و تأکیدی بر عدالت، صداقت و کیفیت اخلاقی عمل دارد؛ یعنی پاداش نه تنها به خود عمل، بلکه به وفای به حق و رعایت تعهدات نیز تعلق می‌گیرد.

۳) هم‌نشینی ریشه‌ی «أجر» با فعل «لَأَسْئَلَنَّكُمْ»

فعل «لَأَسْئَلَنَّكُمْ» از ریشه «سأل» (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۳۰۷/۷)؛ به معنی در خواست است مانند: سَأَلَهُ مَالًا؛ خواست از وی مالی (زمخشری، ۱۳۸۶: ۱۸۱).

در قرآن ۱۲ آیه به ساختار فعلی «لَأَسْئَلَنَّكُمْ» با «أجر» ختم می‌شود که در وصف نُه پیامبر است: حضرت صالح (شعراء: ۱۴۵)، حضرت نوح (یونس: ۷۲؛ هود: ۲۹؛ شعراء: ۱۰۹)، حضرت هود (هود: ۵۱؛ شعراء: ۱۲۷)، حضرت صالح (شعراء: ۱۴۵)، حضرت لوط (شعراء: ۱۶۴)، حضرت شعیب (یس: ۲۷) و نیز سه پیامبری که به گفته قرآن اصحاب القریه گسیل داشته شده بودند (یس: ۲۱) و سرانجام هشت آیه درباره پیامبر اکرم (انعام: ۹۰؛ یوسف: ۱۰۴؛ فرقان: ۵۷؛ سبأ: ۴۷؛ ص: ۸۶؛ شوری: ۲۳؛ طه: ۴۰؛ قلم: ۴۶) که در تمامی موارد خطاب سخن پیامبران به قوم خود که ما در مقابل تبلیغ و دعوت هیچ‌گونه پاداشی از شما نمی‌خواهیم پاداش ما در نزد خدا محفوظ است.

نتیجه حاصل از این هم‌نشینی نشان می‌دهد که «أجر» پاداشی الهی، بی‌منت و فراتر از محاسبات انسانی است و تعلق آن صرفاً بر اساس عمل صالح و نیت خالص بندگان است. بنابراین، هم‌نشینی «أجر» با «لا أسئلكم» بر ارزش پاداش الهی بدون توقع مادی تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که خداوند اعمال صالح و دعوت خالصانه را با عطایتی ویژه و محفوظ پاداش می‌دهد.

#### ۴) هم‌نشینی واژه «أجر» با فعل «جَزَى»

فعل «جَزَى» از ریشه «جزی» است: (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۱/۴۴۵) به معنی پاداش نیک و بد (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۶/۱۶۴)، راغب آن را کنایه از مقابل کردن یعنی خوب در مقابل خوبی و بدی در مقابل معنا کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱۹۵).

در قرآن ۳ آیه به ساختار فعلی «جَزَى» با «أجر» ختم می‌شود که سخن از صبر در اطاعت (نحل: ۹۶) و عمل صالح (زمر: ۳۵) است. نکته دیگر درباره مضمولین «جَزَى با أجر» اینکه در آیه ۲۵ سوره قصص مربوط به اجرت و مزد دنیوی آمده است.

هم‌نشینی «أجر» با فعل «جَزَى» نشان می‌دهد که پاداش الهی مبتنی بر عدالت و تناسب عمل است و خداوند مطابق با نیت، کیفیت و کمیت عمل، پاداش یا جزای شایسته را می‌دهد. این ترکیب جهان‌بینی قرآن درباره «أجر» را به صورت عادلانه، متناسب و حساب‌شده بازتاب می‌دهد.

#### ۵) هم‌نشینی ریشه‌ی «أجر» با فعل «تَأْجِرُنِي»

فعل «استاجر» در باب استفعال به معنی استخدام کردن، به مزد گرفتن است (زمخشری، ۱۳۸۶: ۲۷۱). و فعل «تَأْجِرُنِي» فعل مضارع ساده به معنی اجیر کردن است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴/۱۱). در قرآن ۲ آیه به ساختار فعلی «تَأْجِرُنِي، استاجر» با «أجر» ختم می‌شود که در آیه ۲۶ سوره قصص به معنی استخدام گرفتن و در آیه ۲۷ قصص به معنا اجیر کردن حضرت موسی علیه السلام آمده است.

هم‌نشینی «أجر» با افعال «تَأْجِرُنِي» و «استاجر» در قرآن نشان می‌دهد که پاداش الهی می‌تواند در قالب مزد یا اجرت برای کاری که به صورت درست و با قصد صالح انجام شده، تعلق گیرد. این ترکیب تأکید می‌کند که خداوند علاوه بر نیت خالص، کیفیت و نتیجه عمل را نیز مدنظر دارد و پاداش الهی متناسب با تلاش و خدمت واقعی فرد است.

### ۳-۲-۳. معناشناسی ریشه (اجر) بر اساس روابط جانشینی

رابطه‌ی جانشینی، رابطه‌ای است که بین گروهی از اقلام یک طبقه‌ی مشابه که متعلق به هم به نظر می‌رسند وجود دارد و می‌توانند در یک بافت نحوی، جایگزین یکدیگر شوند (باقری، ۱۳۷۶: ۲۳۴). در روابط جانشینی می‌توان عاملی را به جای عامل دیگر به کار گرفت. چنین نظام زبانی را شبیه به مجموعه عواملی کرد که ارتباط بین آن‌ها از نوع انفصالی است و قادرند در یک بافت به جای یکدیگر بنشینند. البته نباید فراموش کرد که مبنای انتخاب این واژگان بر اساس واژگان اصلی هم‌نشین با واژه‌ی محوری است.

بنابراین ملاحظه می‌شود که میان لفظ - معناهای یک زنجیره کلامی با لفظ - معناهای یک زنجیره‌ی کلامی دو رابطه‌ی افقی و عمودی برقرار است. رابطه‌ی افقی همان رابطه‌ی ترکیبی «هم‌نشینی» و رابطه‌ی عمودی، رابطه‌ی انتخابی «جانشینی» میان لفظ - معنایی در زنجیره‌ی کلامی با لفظ - معنایی است که می‌توانند جایگزین آن شوند. این روابط در مجموع ساختاری سطحی را تشکیل می‌دهند که محور افقی آن محور هم‌نشینی و محور عمودی آن محور جانشینی است (جندلر، ۱۳۸۶: ۱۲۹-۱۳۰).

در میان واژگانی که بیشترین جانشین معنایی را با ریشه «اجر» دارند می‌توان به واژگانی همچون «ثواب، جزاء، فُوز و خیر» اشاره نمود که در ادامه پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرند.

ردیف	ریشه قرآنی	تعداد
۱	تَوْب	۱۰
۲	فُوز	۲۳
۳	خیر	۲۱
۴	جَزَى	۳۹

جدول ذکرهمه‌ی جانشین‌های ریشه «اجر» و تعداد آن‌ها

#### ۱) جانشینی ریشه‌ی «اجر» باریشه «ثوب»

ریشه «ثوب»؛ به معنی «الْعَوْدُ» و «الرجوع» (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۱/۳۹۳)، رجوع شیء به محل خود، (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۸/۲۴۶)، بازگشت چیزی به حالت اولیه‌اش، که قبلاً بر آن وضع و حالت قرار داشته یا بازگشت به حالتی و مقصودی که برایش در نظر گرفته شده است. واژه‌ی

«الثَّوَاب» چیزی که در برابر کارهای انسان به او باز می‌گردد (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۳۶/۲)، و در کار خیر و شَرّ و هر دوبه‌کار می‌رود ولی بیشتر به صورت متعارف و معمولی «ثواب» برای کار خیر و نیک است (راغب اصفهانی، مفردات، ۱۴۰۴ق، ص ۱۷۲). ریشه «ثوب» در کل ۲۸ بار در ۱۵ سوره و ۲۳ آیه در قرآن کریم به کار رفته که ۱۰ آیه از آن مشخصه‌های هم‌نشین‌ها ریشه «اجر» دارند مانند: «ایمان و تقوا (بقره: ۱۰۳؛ مائده: ۸۵؛ قصص: ۸۰؛ فتح: ۱۸؛ مریم: ۷۶)، مهاجران (آل عمران: ۱۹۵) و خواستاران ثواب دنیا و آخرت (آل عمران: ۱۴۵ و ۱۴۸؛ نساء: ۱۳۴؛ کهف: ۴۶) جانشین ریشه «اجر» و به معنا پاداش و ثواب می‌باشند.

واژه «ثواب» و «أجر» هر دو دلالت بر پاداش الهی دارند، اما «ثواب» بیشتر بر نتیجه ملموس و عمل نیک تأکید دارد و معنای کلی و همه‌جانبه‌تری از پاداش ارائه می‌کند. جانشینی از نوع معنای مشابه و بازتاب عمل است، به این معنا که هر دو مفهوم، نتیجه عمل انسان و اثر اخلاقی آن را نشان می‌دهند. بنابراین، جانشینی «ثواب» به «أجر» بیانگر آن است که پاداش الهی همواره مبتنی بر انجام عمل و اثر اخلاقی آن است و بازگشت نتیجه به فاعل، بعد عدالت و تأثیر عمل را منعکس می‌کند.

## ۲) جانشینی ریشه‌ی «أجر» باریشه «فوز»

ریشه «فوز»؛ به معنی پیروزی با خیر و نجات از شر (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۳۸۹/۷)، دسترسی به خیر و فیض (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۵۵/۹)، پیروزی و ظفریافتن به خیر و نیکی با حصول تندرستی، مانند: «فَارَ فَوْزًا عَظِيمًا» (احزاب: ۷۱) بی‌تردید رستگاری بزرگی یافته است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۶۴۷).

کلمه «فوز» در کل ۲۹ بار در ۲۱ سوره و ۲۷ آیه در قرآن کریم به کار رفته است که در ۲۳ آیه از آن مشخصه‌های هم‌نشین‌های ریشه «اجر» دارند مانند: «مهاجران (توبه: ۲۰)، اطاعت‌کنندگان (نساء: ۱۳؛ نور: ۵۲؛ احزاب: ۷۱)، تقوا (زمر: ۶۱؛ دخان: ۵۷؛ نبا: ۳۱)، ایمان (جاثیه: ۳۱) و صابران (مومنون: ۱۱۱) جانشین ریشه «اجر» و به معنا پاداش و ثواب می‌باشند.

واژه‌های «فوز» و «أجر» هر دو به نتیجه مثبت عمل و پاداش الهی اشاره دارند و در بسیاری از آیات قرآن به جای یکدیگر آمده‌اند، مانند آیات «فَارَ فَوْزًا عَظِيمًا» (احزاب: ۷۱) و

﴿يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ (توبه: ۱۱۱). این جانشینی معنایی و مکانیستی است، به این معنا که «فوز» بر نتیجه مستقیم و محسوس عمل صالح تأکید دارد و موفقیت و رستگاری اخروی را منعکس می‌کند، در حالی که «أجر» شامل پاداش عمومی و بازتابی عمل است. جانشینی «فوز» به جای «أجر» بر بعد موفقیت و دست‌یابی به خیر و اثر عمل در جهان الهی تأکید می‌کند و هم‌زمان اثر اخلاقی و اجتماعی عمل را نیز نمایان می‌سازد.

### ۳) جانشینی ریشه‌ی «أجر» باریشه «خیر»

ریشه «خیر» (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۳۰۱/۴) به معنی چیزی که همه‌کس به آن راغب می‌شوند مثل عقل، عدل، فضل و هر چیز سودمند دیگر خیر گفته می‌شود. خیر اگر صفت مرد و زن باشد به معنی بافضیلت در خوبی‌ها است، مخالف شر است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۲/۲۳۲)، مصطفوی خیر به معنی انتخاب ترجیح آن بر دیگری معنا کرده است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۳/۱۵۹).

کلمه «خیر» در کل ۱۹۶ بار در ۵۵ سوره و ۱۷۸ آیه در قرآن کریم به کار رفته است که در ۲۱ آیه از آن مشخصه‌های هم‌نشین‌ها ریشه «أجر» دارند مانند: «متقین (بقره: ۱۰۳؛ آل عمران: ۱۵ و ۱۹۸؛ عنکبوت: ۱۶)، مجاهدان (توبه: ۸۸)، ایمان آورندگان (یوسف: ۵۷؛ قصص: ۸۰؛ مزمل: ۲۰)، توکل‌کنندگان (شوری: ۳۶)، وفاکنندگان (نحل: ۹۵) و صدقه‌دهندگان (بقره: ۲۷۱) جانشین ریشه «أجر» و به معنا پاداش و ثواب می‌باشند.

«خیر» و «أجر» هر دو ارزش ذاتی عمل صالح را نشان می‌دهند و در متن قرآن به‌عنوان پاداش الهی به کار رفته‌اند.

نوع جانشینی: جانشینی از نوع دلالت بر ارزش و فضیلت عمل است، به این معنا که پاداش نه تنها نتیجه عمل، بلکه نمایانگر فضیلت و اثر مثبت آن است.

تحلیل جانشینی: جانشینی «خیر» با «أجر» بر بعد اخلاقی و کیفیت عمل تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که پاداش الهی هم شامل اثر عملی و هم اثر کمال‌بخش عمل می‌شود.

### ۴) جانشینی ریشه‌ی «أجر» باریشه «جزی»

ریشه «جزی»؛ به معنی مجازات و پاداشی که در مقابل کارناپسند و پسندیده داده می‌شود (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۱۶۴/۶) یعنی نتیجه با خود عمل برابر است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲/۸۴)،

راغب آن را در اصل بی‌نیازی و کفایت هم معنا کرده و می‌گوید: «پاداش را جزاء گویند چون از حیث مقابله و برابری در آن کفایت هست» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱۹۶).

کلمه «جَزَى» در کل ۱۱۸ بار در ۴۷ سوره و ۱۰۹ آیه در قرآن کریم به کار رفته است که ۳۹ آیه از آن مشخصه‌های هم‌نشین‌ها ریشه «اجر» دارند مانند: «نیکوکاران (مانده: ۸۵؛ انعام: ۸۴؛ یوسف: ۲۲؛ قصص: ۱۴؛ زمر: ۳۴)، توبه‌کنندگان (آل عمران: ۱۳۶)، پرهیزکاران (نحل: ۳۱؛ فرقان: ۱۵)، راست‌گویان (یوسف: ۸۸)، شاکران (قمر: ۳۵؛ آل عمران: ۱۴۵) جانشین ریشه «اجر» و به معنا پاداش و ثواب می‌باشند.

واژه‌های «جزا» و «أجر» هر دو پاداش الهی را نشان می‌دهند و وجه مشترک آن‌ها عدالت و تناسب مستقیم عمل و نتیجه است. این جانیشینی از نوع دلالت بر برابری و عدالت عمل و پاداش است؛ بدین معنا که پاداش نه تنها عطیه الهی، بلکه نتیجه مستقیم و متناسب عمل نیز محسوب می‌شود. بنابراین، جانیشینی «جزا» با «أجر» بر بعد عدالت و کفایت پاداش تأکید دارد و نشان می‌دهد که هر عمل صالح، نتیجه متناسب خود را دریافت می‌کند و این مفهوم، درک جامع و دقیق‌تری از «أجر» را ارائه می‌کند.

### ۳. مولفه‌های معنایی ریشه «أجر»

معناشناسان سعی داشته‌اند برای مطالعه‌ی دقیق‌تر معنی واژه‌ها، مفهوم آن‌ها را به مشخصه‌هایی تجزیه کنند. هریک از این مشخصه‌ها، مؤلفه‌های معنایی خاصی را برای مفهوم یک صورت زبانی در نظر می‌گیرد. هریک از این مؤلفه‌های معنایی، یک نشان به حساب می‌آیند (صفوی، ۱۳۸۶: ۳۸-۳۹). مؤلفه‌های معنایی یا «شروط لازم و کافی» ویژگی‌هایی هستند که مفهوم واژه‌ها را تشکیل می‌دهند و وجوه اشتراک و افتراق مفاهیم را می‌نمایانند (کرمانی، ۱۳۹۱: ۱۸). به‌عنوان مثال «انسان بودن» و «مؤنث بودن» شرایط لازم مفهوم زن هستند و چون «بالغ بودن» آن را از مفهوم «دختر» متمایز می‌کند، شرط کافی برای آن محسوب می‌شود (صفوی، ۱۳۸۷: ۷۱). به‌عبارت‌دیگر، مؤلفه‌های معنایی، مشخصه‌هایی به حساب می‌آیند که ویژگی‌های ممیز مفاهیم را نشان می‌دهند و به عبارت بهتر، تشخیص معنای یک واژه از طریق عناصر یا مؤلفه‌های معنایی ممیزه است. این مؤلفه‌ها می‌تواند برای توصیف دقیق‌تر روابط

معنایی، کارآیی مطلوبی داشته باشد (پالمر، ۱۳۶۶: ۱۴۷)، مثلاً واژه «مرد» باید چه مشخصه‌هایی داشته باشد تا بتوان تصویری از یک مرد در ذهن پدید آورد. انسان بودن، بالغ بودن، و مذکر بودن، عناصر لازم برای تعریف مرد هستند که به هریک از این مشخصه‌ها، یک مؤلفه‌ی معنایی می‌گویند (صفوی، ۱۳۸۷: ۳۲). لذا نهایت هر مطالعه‌ی معناشناسی باید به این جا برسد که مؤلفه‌های معنایی هر واژه را مشخص می‌کند تا آن واژه، از دیگر واژگان، کاملاً متمایز گردد.

#### ۴. تحلیل مؤلفه معنایی ریشه «اجر» بر محوریت هم‌نشینی

باتوجه به هم‌نشینی‌های بررسی شده ریشه «اجر»، می‌توان مؤلفه‌های معنایی آن را به چهار گروه تقسیم کرد:

##### ۴-۱. قابل اندازه‌گیری بودن، بر اساس مراتب ایمان

ایمان، عالی‌ترین کمالی است که انسان برای ترقی و تکامل خویش کسب می‌کند. هر انسانی، پیش از رسیدن به این مرحله، در سطح عامه‌ی مردم است و با رسیدن به ایمان، وارد مرحله‌ی جدیدی از کمال می‌شود. اما صرف ورود به ایمان به معنی پایان مراحل کمال نیست، بلکه خود ایمان دارای درجاتی است که با پیمودن آنها بر کمال هر فرد، افزوده می‌شود.

در آیات مشتمل بر «أجر عظیم» (طلاق: ۵)، «أجر العالمین» (زمر: ۷۴)، «أجر المحسنین» (یوسف: ۹۰)، «أجر الاخره» (یوسف: ۵۷)، «یوتیکم أجرکم» (محمد: ۳۶)، «یوفی الصابرون أجرهم» (زمر: ۱۰)، از بالاترین مرتبه‌ی ایمان یعنی تقوا سخن به میان آمده، درحالی‌که در دیگر انواع پاداش‌ها سخن از درجات پایین‌تر ایمان است. این مؤلفه، در شش هم‌نشینی مورد مطالعه، تکرار شده است.

##### ۴-۲. منحصر بودن در عمل نیک

بسیاری از مفسران، مفهوم عمل صالح را یک مفهوم کلی و برابر با کار نیک یا خیر دانسته‌اند. شرباصی در «موسوعه اخلاق القرآن» آورده است: عمل صالح آن است که شایستگی پذیرفته شدن را دارد و در آن هیچ عیب یا آفتی نیست (شریاصی، ۱۴۱۳: ۲۰۸/۴). اما به عقیده‌ی برخی

از اندیشمندان قرآنی، عمل صالح به عمل شرعی اطلاق می‌شود، یعنی اعمالی که از جانب خداوند و توسط پیامبران برای مردم آورده شده است. هر جا قرآن کریم، از عمل صالح سخن گفته، به‌طور صریح و یا کنایه، ایمان به خدا را نیز مطرح کرده است.

یکی از نیک‌ترین عمل‌ها، وفای به عهد است که این نکته، از هم‌نشینی با صفت «عظیم» در «اجر عظیم» (فتح: ۱۰) استنباط می‌شود. دیگر فعل نیکو، عمل کردن به موعظه‌ها است که از هم‌نشینی «اجر» با «عظیم» (نساء: ۶۷-۶۶) برداشت می‌شود. نیز توبه‌کنندگان در هم‌نشینی «اجر» با «عظیم» (نساء: ۱۴۶) و «العاملین» (نساء: ۱۳۶) یاد شده، هم‌چنین عمل نیک صبر در هم‌نشینی «اجر» با «العاملین» (عنکبوت: ۵۹-۵۸)، «کبیر» (هود: ۱۱)، «المحسنین» (هود: ۱۱۵)، «مرتین» (قصص: ۵۴)، و کار پسندیده جهاد در راه خدا در هم‌نشینی «اجر» با «عظیم» (نساء: ۷۴؛ توبه: ۲۲-۲۰)، «المحسنین» (توبه: ۱۲۰)، «حسنا» (فتح: ۱۶) و عمل خداپسندانه هجرت و ترک و وطن در هم‌نشینی «اجر» با «عندالله» (نساء: ۱۰۰) و «العاملین» (نحل: ۴۱) و در نهایت فعل پسندیده اصلاح کردن (اعراف: ۷۰) و انفاق کردن در هم‌نشینی «اجر» با «کبیر» (حدید: ۷) و «عندالله» (بقره: ۲۶۲) می‌توان نام برد. این مؤلفه در هشت هم‌نشین مورد مطالعه تکرار شده است.

#### ۴-۳. اعطایی بودن و قطعی بودن اجر از جانب خدا

یکی دیگر از مؤلفه‌های قابل توجه برای ریشه «اجر» این است که اولاً عطا کننده آن، خداوند است، و ثانیاً چنین خداوند مهربان و مریب دلسوزی، هرگز در وعده عطا، خطا نکرده و متریبی را از فضل خود محروم نمی‌سازد. خداوند در قرآن وعده به دادن پاداش به بندگان کرده و در تمامی آیاتی که فعل «آتی» با «اجر» هم‌نشین شده به معنی اعطاء کردن و دادن پاداش است. هم‌چنین هم‌نشینی «اجر» با «علی الله» یا «عند رب» علاوه بر اعطاء پاداش، به جاودانی و حتمی بودن آن پاداش اشاره دارد.

این مؤلفه در دو هم‌نشین مورد مطالعه، یعنی «آتی» و «علی الله یا عند رب» تکرار شده است.

#### ۴-۴. پاداش مادی دنیوی

واژه «أجر» در کل به معنی پاداش و مزد است که بیشتر ناظر به پاداش اخروی از سوی خداوند می‌باشد، اما در برخی آیات به معنی پاداش و مزد مادی از سوی مردم نیز آمده است مانند؛ هم‌نشینی «أجر» با فعل «أتی» که در ۵ آیه به معنی مهریه زنان (نساء: ۲۵-۲۴؛ مائده: ۵؛ احزاب: ۵۰؛ ممتحنه: ۱۰) و در یک آیه به معنی اجرت شیر (طلاق: ۶) است. یا هم‌نشینی فعل «جَزَى» با «أجر» که در یک آیه (قصص: ۲۵) به معنی پرداخت مزد در برابر کاری که حضرت موسی برای دختران شعیب کرده، آمده است. نیز در دو کاربرد فعلی، واژه «أجر» (قصص: ۲۷-۲۶) به معنی اجیر کردن و استخدام کردن برای کار دنیایی، و در مقابل دریافت مزد، دیده می‌شود.

این مؤلفه در دو هم‌نشین مورد مطالعه، یعنی «تأجرتی» و «استأجر» تکرار شده است.

#### ۵. تحلیل مؤلفه معنایی ریشه «اجر» بر محوریت جانیشینی

باتوجه به جانشین‌های بررسی شده ریشه «اجر»، می‌توان مؤلفه‌های معنایی آن را به سه گروه تقسیم کرد:

#### ۱-۵. پاداش اخروی و دنیوی

خداوند در مقابل عمل نیک بندگان هم پاداش دنیوی و هم پاداش اخروی اعطاء می‌کند و در بسیاری از آیات تاکید می‌کند کسانی که خواستار پاداش دنیوی باشند به آنان پاداش دنیوی و کسانی خواستار پاداش اخروی باشند به آنان داده می‌شود. مانند: جانیشینی واژه «ثواب» در آیات (آل عمران: ۱۴۵ و ۱۴۸)، (نساء: ۱۳۴)، (کهف: ۴۶) آمده است. این مؤلفه، فقط در یک جانشین مورد مطالعه، آمده است.

#### ۲-۵. قابل اکتساب بودن، برای بندگان خدا

هر فرد مختار با ایمان قادر به دریافت پاداش الهی است به شرط آن که عمل پسندیده را که نشأت گرفته از ایمان و مطابق دستور الهی باشد انجام دهد. خداوند در سوره بقره آیه ۱۵۸ به عاملان عمل نیک «خیر» را پاداش می‌دهد. هم‌چنین در آیات «جَزَى» (طه: ۱۵-۱۴؛ توبه: ۱۲۱؛

جائیه: ۲۲) اشاره می‌شود که انسان براساس آنچه که انجام می‌دهد پاداش خود را دریافت می‌کند.

بنابراین این مؤلفه در دو جانشین «خیر» و «جَزَى» تکرار شده است.

### ۵-۳. نتیجه‌ی عمل

انسان هر عملی که در دنیا انجام دهد در مقابل نتیجه‌ی آن عمل را دریافت می‌کند اگر آن عمل نیک باشد، پاداش نیک مانند بهشت به او داده می‌شود. مانند: واژگان جانشین «أجر» از جمله: «ثواب» (مانده: ۸۵؛ آل عمران: ۱۹۵)، «فور» (نساء: ۱۳؛ توبه: ۸۹ و ۱۰۰؛ حدید: ۱۲؛ فتح: ۵)، «خیر» (آل عمران: ۱۵ و ۱۹۸)، «جَزَى» (طه: ۷۶؛ احقاف: ۱۴؛ نحل: ۳۱) پاداش نیک دیگر مانند؛ مساکن طیبه که در جانشین ریشه «أجر» با واژه «فوز» (توبه: ۲۲؛ صف: ۱۲) آمده و از همه این‌ها بالاتر رضوان و خشنودی پروردگار در جانشینی واژه «فوز» با ریشه «أجر» (توبه: ۲۲) است.

بنابراین این مؤلفه در چهار جانشین «ثواب، فوز، خیر، جَزَى» تکرار شده است.

### نتیجه‌گیری

ریشه «أجر» در قرآن کریم مفهومی چندبعدی و غنی دارد که از طریق تحلیل هم‌نشینی‌ها و جانشینی‌های آن می‌توان مؤلفه‌های معنایی متعددی را شناسایی و دسته‌بندی کرد. بررسی هم‌نشینی‌ها نشان داد که پاداش مرتبط با ریشه «أجر».

۱. قابل اندازه‌گیری بر اساس مراتب ایمان: میزان و کیفیت پاداش تابع درجه‌ای از ایمان و تقوا است که فرد به آن دست یافته است (آیات: طلاق: ۵؛ زمر: ۷۴؛ یوسف: ۹۰؛ محمد: ۳۶).
۲. منحصرأً به اعمال نیک تعلق دارد: این اعمال شامل وفای به عهد، جهاد، صبر، توبه و سایر اعمال پسندیده است (آیات: نساء: ۷۴؛ توبه: ۲۲؛ اعراف: ۷۰).
۳. اعطایی و قطعی از جانب خداوند: پاداش همواره با حتمیت الهی همراه است و خداوند در وعده‌های خود هیچ خطایی نمی‌کند (آیات: نساء: ۱۰۰؛ نحل: ۴۱).
۴. شامل پاداش مادی دنیوی نیز می‌شود: برخی هم‌نشینی‌ها نشان می‌دهند که پاداش

می‌تواند در قالب مزد، اجرت یا هدیه مادی باشد (آیات: نساء: ۲۵؛ مائده: ۵). تحلیل جانشین‌ها نیز نشان داد که:

۱. پاداش الهی هم اخروی و هم دنیوی است.
  ۲. برای بندگان مؤمن قابل اکتساب است.
  ۳. همواره نتیجه مستقیم عمل فرد را منعکس می‌کند (جانشین‌ها: ثواب، فوز، خیر، جزی).
- بر این اساس، هفت مؤلفه اصلی برای ریشه «أجر» شناسایی شد: ۱. نتیجه‌ی عمل، ۲. عمل نیک، ۳. اعطایی از جانب مافوق (خداوند)، ۴. پاداش مادی، ۵. پاداش معنوی، ۶. پاداش دنیوی، ۷. پاداش اخروی. از میان این هفت مؤلفه، سه مؤلفه کانونی یعنی نتیجه‌ی عمل، عمل نیک و اعطایی از جانب خداوند در تمامی موارد برقرار بوده و پایه اصلی معنای ریشه «أجر» را شکل می‌دهند. بنابراین، ریشه «أجر» در قرآن کریم به معنای پاداشی است که خداوند به مؤمنان برای اعمال نیک اعطا می‌کند، این پاداش متناسب با نوع و کیفیت عمل است و تضمینی الهی و قطعی دارد.

این تعریف فراتر از معنای لغوی واژه است و دستاورد اصلی پژوهش را روشن می‌کند، زیرا با بهره‌گیری از روش دقیق تحلیل مؤلفه‌های معنایی هم‌نشین‌ها و جانشین‌ها، تصویری جامع و چندبعدی از واژه ارائه شده است. پژوهش حاضر همچنین نشان داد که تحلیل هم‌نشینی‌ها و جانشینی‌ها می‌تواند ابزاری منظم، قاعده‌مند و قابل تکرار برای استخراج معنای دقیق واژگان قرآنی باشد و درک جامع‌تر از جهان‌بینی قرآنی در خصوص عدالت، شایستگی فرد، تأثیر اعمال و پاداش الهی را فراهم می‌آورد. به این ترتیب، این روش می‌تواند الگویی عملی و علمی برای پژوهش‌های معناشناسی قرآن و بررسی سایر واژگان پیچیده و چندبعدی باشد و مسیر مطالعات آتی در حوزه میدان‌های معنایی واژگان قرآنی را هموار سازد.

## فهرست منابع

۱. ابن فارس، احمد، (۱۳۹۹). *معجم مقاییس اللغة*، محقق عبدالسلام محمد هارون، بی‌چا، بیروت، دارالفکر.
۲. ابن منظور، محمدبن مکرم، (۱۴۱۴). *لسان العرب*، بی‌چا، بیروت، دارصادر.
۳. انصاریان، حسین، (۱۳۸۸). *ترجمه قرآن*، چ ۱، قم، اسوه.
۴. باقری، مه‌ری، (۱۳۷۶). *زیان شناسی*، بی‌چا، تبریز، دانشگاه تبریز.
۵. پالم‌ر، فرانک رابرت، (۱۳۶۶). *نگاهی تازه به معنی شناسی*، مترجم کورش صفوی، بی‌چا، تهران، نشر مرکز.
۶. جندلر، دانیل، (۱۳۸۶). *مبانی نشانه‌شناسی*، ترجمه مهدی پارسا، بی‌چا، تهران، سوره مهر.
۷. راغب اصفهانی، حسین، (۱۴۰۴). *المفردات فی غریب القرآن*، چ ۲، قم، دفتر نشرالکتاب.
۸. زمخشری، محمودبن عمر، (۱۳۸۶). *مقدمه الأدب*، چ ۱، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
۹. زمخشری، محمودبن عمر، (۱۴۰۷). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، مصحح مصطفی حسین احمد، چ ۱، بیروت، دارالکتاب العربی.
۱۰. شریاصی، احمد، (۱۴۰۷). *موسوعه اخلاق القرآن*، چ ۳، بیروت، دارالرائد العربی.
۱۱. شعیری، حمیدرضا، (۱۳۸۸). *مبانی معناشناسی نوین*، بی‌چا، تهران، سمت.
۱۲. صفوی، کوروش، (۱۳۸۶). *آشنایی با معنی شناسی*، بی‌چا، تهران، پژوهاک کیوان.
۱۳. صفوی، کوروش، (۱۳۹۵). *درآمدی بر معناشناسی*، چ ۳، تهران، سوره مهر.
۱۴. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۹۰). *تفسیرالمیزان*، چ ۲، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۵. طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۶). *مجمع البحرین*، محقق احمد حسینی، چ ۱، تهران، مرتضوی، طراوت.
۱۶. طوسی، محمدبن حسن، (بی‌تا). *التبیان فی تفسیرالقرآن*، مصحح احمد حبیب عاملی، چ ۱، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۱۷. فخررازی، محمدبن عمر، (۱۴۲۰). *التفسیر الکبیر «مفاتیح الغیب»*، چ ۳، بیروت، دار



احیاء التراث العربی.

۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۴). *العین*، محقق مهدی مخرومی، ابراهیم السامرائی، چ ۱، القاهرة، بی نا.

۱۹. قرشی بنایی، سیدعلی اکبر، (۱۴۱۲). *قاموس قرآن*، چ ۶، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۲۰. کرمانی، سعید، (۱۳۹۱). *معناشناسی عقل در قرآن کریم*، بی جا، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.

۲۱. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چ ۱، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از نویسندگان، (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، چ ۱۰، تهران، دارالکتب الإسلامیه.